

از گوشه و کنار

لیلی وطنی

زندان زبان، زندان موقت است

فرزانه طاهری سخنان خود را در جمع زنان ناشری که شهریورماه در نمایشگاهی در شهر رشت گرد هم آمده بودند، با این جمله آغاز کرد و ادامه داد: «روزی می‌رسد که نگهبان مشفق با کلیدهایش از راه برسد و ما را از این زندان برهاند. مترجم زندان زبان را می‌گشاید و کمک می‌کند تن



از آن زبان و فرهنگ و مخاطبان اولیه‌اش که محدود بودند خلاصی یابد.»

گوشه‌هایی از این سخنرانی:

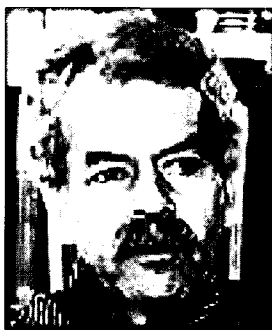
«... جدا کردن زبان از فرهنگ دشوار و بلکه غیرممکن است. با یک زبان نمی‌توان معنای زبان دیگر را بیان کرد. به این معنا زبانهای مختلف، گویندگان به آن زبانها را آماده می‌کنند که به نحو متفاوتی فکر کنند، یعنی توجه خود را به جنبه‌های متفاوتی از محیط معطوف کنند. ترجمه فقط جستجوی کلماتی دیگر با معنای مشابه نیست بلکه در واقع یافتن راه‌هایی مناسب برای گفتن چیزها به زبانی دیگر است... هنر ترجمه نقش مهمی در تکامل فرهنگ جهانی داشته و خواهد داشت. تنها با وارد کردن فنهای جدید به فرهنگ است که آن فرهنگ می‌تواند در عین بازشناسی خاص بودن خود به نوآوری دست بزند. ترجمه، این فنها را در اختیار کسانی می‌گذارد که قادر نیستند آن فنها را به زبان اصلی بخوانند، پس مسؤولیت بزرگی بر دوش مترجم است... مترجم نمی‌تواند به درک صرف یک اثر ادبی اکتفا کند. او باید به سوی بازسازی کامل متن زبان اصلی در زبان جدید حرکت کند، و این مستلزم درک جامع انتقادی اثر هم هست. ترجمه ادبی خوب محصول پژوهشهای محققانه، تفسیر انتقادی و بازسازی

خلاق است. مترجم ادبی همان کاری را می‌کند که یک پژوهشگر که نسخه‌ی اصلح یک اثر ادبی را معلوم می‌کند، یعنی سعی می‌کند معتبرترین قرائت را به دست بیاورد... مترجم با انتقال برخی قالبهای ادبی و شیوه‌های زبانی و واژه‌های مربوط به فرهنگ و رسوم جامعه‌ی مبدأ، موجب انتقال تأثیرات زبانی و در نهایت فنی تر شدن زبان و فرهنگ خودی می‌شود. امروزه حفظ طعم بیگانه‌ی اثر اصلی در ترجمه اهمیت بیشتری یافته چون عقیده بر این است که زمین بومی ادبیات ما را حاصلخیز می‌کند. این قابلیت ترجمه شاید از لحاظ سنتهای متعارف مخرب قلمداد شود اما از لحاظ خلاقیت بسیار غنابخش است و این امر فقط هم با ترجمه ممکن می‌شود...

فرزانه طاهری سخن خود را با نقل قولی از استاینر به پایان برد: «ادراک ناتوانی بی‌پایان، موجب اندوهی خاص می‌شود. همین اندوه است که بر تاریخ و نظریه‌ی ترجمه سایه انداخته است.»

آشفته بازار ترجمه‌های ادبی را چه کسانی مدیریت می‌کنند؟

خبرنگار خبرگزاری مهر به سراغ چند تن از مترجمان رفته و نظر آنها را درباره تشکیل نهادی ناظر بر کار ترجمه و همچنین قانون کپی‌رایت جویا شده است:



عبدالله کوثری با تأسیس یا فعال‌سازی هرگونه نهادی در مورد کار ترجمه به شدت مخالفت کرده "چرا که ترجمه کاری کاملاً آزاد است" و اظهار امیدواری کرده "زمانی برسد که افراد صالح در این حرفه فعالیت کنند و افراد مترجم آن‌قدر اخلاق داشته باشند که به سراغ کارهایی که در توانایی آنها نیست نروند."

کوثری قانون کپی‌رایت را گرچه فی‌نفسه دارای منافع دانسته اما معتقد است با اجرای آن "در بخش خصوصی نشر مشکلاتی پیش خواهد آمد چرا که بخش عمده‌ای از ناشران ما توان و صلاحیت این را که بخواهند با ناشران و نویسندگان خارجی تماس بگیرند و اجازه انتشار کتاب را از آنان دریافت کنند ندارند. به‌صورت کلی، ناشران ما توانایی ایجاد یک رابطه

فرهنگی را ندارند، در نتیجه کار به دست دولت می افتد و دولت باید به نیابت از چند ناشر کتاب انتخاب بکند و با ناشران قرارداد ببندد و کتاب را منتشر کنند... و مسأله بعدی حق مالی کپی رایت است که ما از عهده آن بر نمی آیم چون حق واقعی آنان را با یک تیراژ ۱۰۰۰ یا ۲۰۰۰ نسخه نمی توان پرداخت..."

او یکی از مهمترین دلایل انتشار کتابهای بی ارزش و مشکل اصلی تألیف و ترجمه را وجود ناشران بی صلاحیتی دانسته "که حتی حاضر به پرداخت مبلغ ویرایش نیز نیستند" و "کسانی که هرگز نباید ناشر می شدند اکنون ناشر شده اند..." و مهمترین وظیفه را خارج کردن این "ناشران غیر صالح که صرفاً با تکیه بر یک سری روابط ناشر شده اند" از حوزه کتاب دانسته، و معتقد است "اگر هزاران قانون بین المللی هم در این زمینه داشته باشیم از دست بی اخلاقی ناشران و مترجمان نمی توان خلاصی پیدا کرد."

عبدالله کوثری در مورد دلیل عمده سرازیر شدن آثار خارجی به ایران و عدم اقبال ناشران خارجی به آثار نویسندگان ایرانی می گوید: "به نظر من دلیل عمده اش این است که آثار ما جذابیتی برای آنان ندارد. به عنوان مثال حیطة رمان را در نظر بگیرید. آنان حدود ۳۰۰ یا ۴۰۰ سال است که رمان خلق می کنند. تمام ابداعات از طرف آنان انجام شده بعد به اینجا رسیده است. بنابراین خیلی از مسائلی که ما فکر می کنیم جدید است در آنجا جدید نیست و برای آنها جذابیت ندارد. از سوی دیگر کیفیت آثار نیز اهمیت دارد. خود ما در اینجا چند درصد از آثار داخلی را قبول داریم؟ چند نویسنده ما آثاری به وجود آورده اند که قابل قیاس با آثار آندره مالرو و ... باشد؟ البته در این میان مهجور بودن زبان فارسی و ناشناخته بودن آثار ما نیز مطرح است. ما آثار خود را درست تبلیغ نکرده ایم. رایزن های فرهنگی ما در خارج به هیچکدام از وظایف خود که یکی از اصلی ترین آنها شناساندن ادبیات معاصر است نپرداخته اند و اگر هم پرداخته اند به آن شاخه هایی که مورد علاقه خودشان بوده پرداخته اند و اگر آثار خوبی هم باشد، احتمالاً مخفی مانده است." کوثری سخنان خود را این چنین پایان می دهد:

"به نظر من کارهای ترجمه ما از آغاز، با یک نگاه فراگیر همراه بوده و این خیلی خوب است. البته با وجود همه ضعفها، خوشبختانه مترجمان ما در طول صد سال اخیر کارهای خوبی کرده اند، به همین دلیل خوانندگان ایرانی هم از آنچه در تمام دنیا می گذرد، مطلع هستند."

احمد پوری تشکیل شورایی برای ترجمه و گذراندن ترجمه ها را از یک فیلتر عملاً غیر ممکن

می‌داند، زیرا "مسائلی از قبیل این که اعضای شورا را چه کسانی باید انتخاب کنند، صلاحیت این اعضا چگونه مشخص می‌شود؟ و... در این میان وجود دارد... البته امروز نویسندگان هم شورایی بالنسجام مورد انتظار ندارند، فعلاً این امر، به یک مرکز بروکراتیک تبدیل شده که فقط اعمال نظر می‌کند



و شاید خیلی از اعمال نظرها هم درست نباشد. "پوری در عین حال که به تشکیل نهادی برای بررسی و ارزیابی آثار ترجمه‌شده از حیث محتوا و... اعتقاد دارد وئی در واقعیت امر چنین چیزی را امکان‌پذیر نمی‌داند، چرا که "به هر حال هر گروه و تشکیلاتی که برای اجرای تصمیمات این نهاد انتخاب می‌شوند باید ضمانت اجرایی هم داشته باشند و اگر این ضمانت وجود نداشته باشد، ممکن است همه چیز به هم بریزد." از نظر او "بهترین کار در ترجمه این است که همه بتوانند یک اثر را ترجمه کنند و این ترجمه، از فیلتر مخاطبان بگذرد... هر کدام که مورد قبول بود، استقبال می‌شود و بقیه از دور، خارج خواهند شد."

پوری در مورد قانون کپی‌رایت می‌گوید: "اگر یک نویسنده خارجی مستقیماً بگوید که اثر من ترجمه و چاپ نشود، حتی اگر ما تابع قانون کپی‌رایت هم نباشیم به خاطر احترام گذاشتن به هنرمند و از نظر اخلاقی نباید آن اثر را ترجمه کنیم، اما اگر مستقیماً مسئله‌ای را نگفته باشد و اسمی از ایران و مترجم خاصی نبرده است چون الان عضو قانون کپی‌رایت نیستیم می‌توانیم آن اثر را ترجمه کنیم و آنان نیز می‌توانند آثاری از ما را ترجمه کنند... اگر تابع قانون کپی‌رایت شویم بهتر است چون این مسئله امروز نیست و برای آینده کشور لازم است."



مدیا کاشیگر وجود چنین نهادی را ضروری ندانسته چرا که "جامعه نیازی به قیم ندارد. اگر خواننده کتابی را مخالف با معیارهای خود بداند نمی‌خرد و برعکس، اثری را که موافق با نظریات خود بداند خوانده و حتی معرفی و تبلیغ هم می‌کند... بنابراین لزومی ندارد یک بروکراسی بی‌دلیل ایجاد کنیم... امروز آنقدر حجم آثار خوب بالاست که اثر بد خود به خود به عنوان یک

اثر بد معرفی می‌شود و عملاً توان آسیب‌رسانی خود را از دست می‌دهد..." به نظر کاشیگر "بزرگترین منتقدان ما، مخاطبان و ناشران هستند. ناشر دوست ندارد اثری را منتشر کند که مورد

توجه مخاطبان قرار نگیرد. امروزه ناشران حرفه‌ای بسیاری داریم در حالی که در گذشته تعداد آنها محدود و انگشت شمار بود... ترجمه، یک کار آفرینشی است یعنی کاری ذاتاً آزاد است... اگر ما بخواهیم هرگونه شورایی برای ترجمه راه بیاندازیم، ممکن است باعث ترجمه یک سری از آثار شودیم که از قلم افتاده است، ولی نباید توقع ترجمه خوبی از این آثار داشت، چون ترجمه خوب در درجه اول، مستلزم ذوق است..."

کاشیگر ضمن طرفداری از قانون کی‌رایت اظهار کرده: "حدود بیست سال است که ما نویسندگان و مترجمان، برای تصویب این قانون در ایران تلاش می‌کنیم. فکر می‌کنم این قانون باید از سوی نمایندگان مجلس تصویب شود." او حجم بالایی آثار ترجمه شده به نسبت آثار تألیفی را امری رایج و منطقی در سراسر دنیا می‌داند، چرا که "اگر بر فرض ۱۰۰ ادبیات ملی در جهان داشته باشیم که البته بیشتر از این است، یک کشور وارد کننده از ۱۰۰ کشور دیگر تولیدات ادبی دریافت می‌کند در حالی که فقط یک صادر کننده است یعنی ما ۱۰۰ برابر تولید آثار وارد می‌کنیم... هیچ کشوری به تنهایی بیشترین حجم آفرینش جهان را در دست ندارد و به این دلایل آثار ترجمه شده بیشتر از آثار تولیدی به نظر می‌رسد." کاشیگر در مورد عدم اقبال به آثار ایرانی می‌گوید: "بحث، بحث کیفیت تولیدات ادبی داخلی است، وقتی تولیدات داخلی مان نمی‌تواند بازار داخلی را ارضاء کند، یعنی خواننده و مخاطب ما به ادبیات ملی خودش اقبال نشان نمی‌دهد، چطور می‌توان توقع داشت که بتواند ادبیات ملی جهان را فتح کند؟... اگر ادبیات بتواند مخاطب داخلی را جذب کند مسلماً مخاطبان خارجی را نیز جذب خواهد کرد، ضمن اینکه خیلی از آثار ما ترجمه شده، مثلاً شعر ما شناخته شده است و توانسته خود را مطرح کند."

"رد پای شازده کوچولوی ایرانی-سویسی بر سپیدی کاغذ"

منصور ملک، منتقد و روزنامه‌نگار قدیمی، دست به کار جالبی زده و تکه ترجمه‌ای از شازده کوچولو را در وب‌لاگش قرار داده که با ترجمه‌هایی که پیشتر از این اثر صورت گرفته به کلی متفاوت است؛ بچگانه است و شیرین، درست برای بچه‌ها، مترجم کوچک این اثر دوست داشتنی آنتوان دوسنت اگزوپری، صفا اشکان است که منصور ملک او را این طوری معرفی کرده: "صفا اشکان، امسال به کلاس اول راهنمایی می‌رود. پدرش (که در روزگار نوجوانی شاگرد من بوده) سائیان درازی در سوییس بوده است. صفا، دو سال و نیم داشت که

با پدر ایرانی و مادر سوئیسی اش و برادر کوچکترش (عرفان) به ایران برمی‌گردد. مدتی در تهران زندگی می‌کنند، بعد پدرش در جای پرتی در ماهدشت کرج خانه‌ای می‌سازد. بنای زیبایی با ترکیبی از معماری سنتی ایران و مدرن غربی. صفا و عرفان به مدرسه ده می‌روند. "ماجرا از اینجا شروع می‌شود که روزی منصور منکی در کتابخانه بچه‌ها که همه جور کتابی در آن پیدا می‌شود چشمش به نسخه فرانسوی شانزده کوچولو می‌افتد و از صفا می‌خواهد که آن را برایش ترجمه کند و در فرصتهای دیگر هم کار ترجمه این کتاب را به طور جدی دنبال می‌کنند. گوشه‌هایی از این ترجمه شیرین را که او سخت در تلاش است به ترجمه‌های دیگر این اثر اضافه کند با هم می‌خوانیم:

... شانزده کوچولو گفت: تو کی هستی؟ خیلی قشنگی ... بیایا من بازی کن، خیلی غمگینم.

- نمی‌تونم با تو بازی کنم، آخه اهی نشده.

...

- اهی کردن یعنی چی؟

- یک چیزی که زیاد از یاد می‌ره، معنی دل‌بستگی.

- دل‌بستگی؟

- معومه، تو الان برای من یه پسر بچه‌ای، مثل صد هزار پسر بچه‌ی دیگه و من به تو نیازی ندارم و تو هم به من نیازی نداری. من برای تو یه روباهم، مثل صد هزار روباه دیگه. ولی اگر تو منو هنی کنی ما به هم نیاز خواهیم داشت. تو برای من تو دنیا تک خواهی شد و من برای تو، تو دنیا تک خواهم شد.

...

- زندگی من یک‌نواخته، من مرغ شکار می‌کنم. آدها منو، تمه مرغ شبیه همندا، تمام آدها هم شبیه همندا. کمی حوصله‌ام سر رفته، ولی آگه تو هیم کنی زندگیم آفتابی می‌شه. صدای پای تو با صدای پای آدها فرق می‌کنه، بقیه‌ی صدای پاها منو وادار می‌کنه که زیر زمین قایم شم، اما مال تو منو ز لونه د می‌کشه بیرون، مثل آهنگ، بعد نگاه کن، مزرعه‌ی گندمو می‌بینی؟ من نون نمی‌خورم، گندم به درد من نمی‌خوره، مزرعه‌ی گندم منو زیاد هیچی نمی‌ندازه و این غمناکه، ولی موهای تو رنگ طلاست و روپایی می‌شه وقتی که منو اهلی کنی، گندم که طلا بیه، منو یاد تو می‌ندازد.

ترجمه یا لطیفه گوئی؟

ضرب‌المثل‌ها و تعابیر فلسفی علی‌الاریجانی، دبیرشورای عائی امنیت ملی، رسانه‌های غربی را حسابی سردرگم کرده؛ او در جایی گفته: "با نشان دادن نونوی شورای امنیت، مردم

ایران رو به قبله نمی‌شوند." خبرگزاری‌های بسیار معتبر هم این ترجمه‌های بسیار جالب را از این گفته او ارائه داده‌اند:

نیوزویک: علی لاریجانی گفته است که اگر شورای امنیت مثل موجوداتی که بچه‌ها را می‌ترسانند ظاهر شود، مردم ایران به سوی قبه مسلمانان جهان دراز نمی‌کشند.

نشریه اسپانیایی ال‌پائیز: علی لاریجانی گفت که اگر شورای امنیت چیز ترسناکی را هم به ایرانیان نشان دهد، باز هم مردم ایران به سوی عربستان سعودی نمی‌خوانند.

نشریه فرانسوی اومانیت: علی لاریجانی گفت که دراز کشیدن ایرانیان به سوی مرکز اعتقادات مسلمانان، بستگی به این دارد که آنان از موجودات افسانه‌ای بترسند؛ این یک داستان ایرانی است.

" ترجمه عین مقاله یک گناه مضاعف است."

دکتر نوشیروان کیهانی‌زاده، روزنامه‌نگار، بیست و سوم آذرماه در بخش "در قلمرو رسانه‌ها"ی وب لاگش (iranianhistoryonthistoday.com) این مطلب را آورده:

نورمحمد تره‌کی سردبیر وقت خبرگزاری باختر (افغانستان) ۲۳ آذر ۱۳۴۰ در تهران در بربر شماری از دبیران خبر و مترجمان اخبار و مقالات خارجی خبرگزاری پارس (ایرنا) و سایر نشریات ایران گفت که ترجمه عین مقاله، تفسیر، تحلیل و فیچر از جراید خارجی برای انتشار یک گناه مضاعف است و نانی که از این طریق به دست می‌آید حرام. زیرا که این عمل همانا القاء عقیده و سیاست دیگران به مردمی است که به مترجم و دبیر رسانه صادقانه اعتماد کرده و معاش او را تأمین می‌کنند. با ترجمه کامل یک مقاله خارجی، ناخودآگاه به دولت مربوط و گروهی که می‌خواهند از آن نفع ببرند و زمینه سیاست خود را آماده و راه اجرای آن را هموار سازند کمک و تأمین نظر می‌شود. تره‌کی که مدتی را در آمریکا به سر برده بود و ۱۷ سال بعد رئیس دولت افغانستان شد و برای دیدار از ایران وارد تهران شده بود گفت این مطلب را به این لحاظ بیان داشت که مشاهده کرد رسانه‌های ایران بیش از هر کشور دیگر مطالب نشریات خارجی را عیناً ترجمه و منتشر می‌کنند بدون آن که بدانند پشت هر مقاله و حتی فیچر (خبر تفصیلی) چه سیاست و کدام دولت ایستاده است. این سادگی است که تصور کنیم که نویسنده مقاله واقعاً نظر خودش را مطرح ساخته است و تازه اگر هم چنین باشد، به ملت دیگر مربوط نیست. نقل هر نظر و نکته در حد دو سه سطر نه تنها عیبی ندارد بلکه ضروری است، اما نه

متن کامل آن که نمی‌خواهم بگویم یک خیانت به اعتماد است. به جای ترجمه مقاله، نظر خودتان را بنویسید و یا این که از اصحاب نظر داخلی بخواهید که برایتان مقاله بنویسند. خبرگزاری خارجی هم ضرورت ندارد که عیناً ترجمه شود. باید نخست آن را از فیلتر عبور دهید و قسمتهای ناآلوده‌اش را بردارید. وی گفت که نمی‌داند چه کسانی و عواملی ترجمه کامل و کلمه به کلمه مطلب خارجی را در کله مترجمان خبر و مقاله در ایران فرو کرده‌اند که عادت و رول آنان شده است و خریدار خبر (مردم) گمراه می‌شود و کسی هم نیست که از خریدار خبر و مقاله (مصرف کننده آن) دفاع کند.

تره‌کی سپس به پخش اعلان تجاری از رادیو دولتی ایران اشاره کرد و گفت که در جای دیگر دنیا ندیده است یک رسانه دولتی ترجمه مقاله خارجی و اعلان تجاری منتشر کند. دولت‌ها با هدفهای فرهنگی و آموزشی رسانه‌داری می‌کنند نه کسب مال و وارد رقابت تجاری با مؤسسات خصوصی شدن که در شأن دولت نیست. از روزی که به تهران آمده‌ام هر وقت رادیو را باز کرده‌ام این اعلان را شنیده‌ام که «روغن نباتی قو طعم کره دارد». اگر کسی پیدا شود که ثابت کند طعم کره ندارد و دولت واسطه تبلیغ دروغ یعنی مرتکب کلاهبرداری شده است، چه خواهد شد؟

نورمحمد تره‌کی که یک روزنامه‌نگار با تجربه بود در سال ۱۳۵۸ در جریان کودتای معاونش حفیظ‌الله امین که دولت شوروی وی را عامل سیا اعلام کرده بود کشته شد و قتل او باعث ورود نیروهای شوروی به افغانستان گردید.

گله صدایی آشنا از مترجمهای ناآشنا به کار



صدای آشنای جلال مقامی، دوبلور پیش‌کسوت، هم به شکوه از مترجمهای نابلد بلند شد؛ او به خاطر نبود شرایط لازم برای دوبله با کیفیت دیگر مایل به ادامه فعالیت در این حرفه نیست و یکی از این شرایط که نبودش دوبلوری با سابقه ۴۷ ساله را رنجانده، دیالوگ‌نویسی نامناسب فیلمهاست. او می‌گوید: "دیالوگ‌نویسی یک فیلم نقش مهمی در دوبله دارد و برای آن باید وقت صرف شود. اگر من در مقام مدیر دوبلاژ معنی دیالوگی را متوجه نشوم، بیشتر بیننده‌ها نیز نمی‌توانند آنرا بفهمند. بنابراین بیشتر باید روی دیالوگ و ترجمه کار کنیم. وقتی از مترجم معنی عبارتی را می‌پرسم، او در جواب

می‌گوید هنرپیشه همین حرف را می‌گوید. در صورتی که باید با توجه به مفهوم جمله ترجمه صورت گیرد نه این که لفظ به لفظ اصطلاحات به زبان فارسی برگردانده شود."

یک ترانه: مولانای روشن ضمیر

این نام تازه‌ترین ترجمه انگلیسی اشعار مولوی است که گویا انتشارات «رانینگ پرس بوک» همراه امسال آن را به همراه CID چاپ و منتشر کرده است. این کتاب اثر مایکل گرین است که در کارنامه سی سال کار حرفه‌ایش در مقام هنرمند و تصویرگر، کتابهایی از قبیل *دن و هنر* و *این عیسی مسیح کیست؟* را دارد. از قراری کلمن بارکس هم در چاپ این اثر با او همکاری داشته. بنا به گفته ناشر در مقدمه، این مجلد تازه از کتاب دربردارنده اشعار کمیابی از مولاناست که پاره‌ای از آنها تاکنون به زبان انگلیسی ترجمه نشده است. ناشر در جایی دیگر هم گفته که ترجمه اشعار و نوشته‌های مولوی همراه با اشعار کلمن بارکس از سال ۱۹۸۴ تاکنون بیش از پانصد هزار نسخه به فروش رفته. قیمت این کتاب ۱۲۸ صفحه‌ای که بعضی اشعارش هم به تصویر کشیده شده ۲۳.۱۰ دلار است.

کوچه‌های سکوت ایرانی در هلند



نفیس نیا که شاعر، فیلمنامه‌نویس، فیلمساز، محقق و مترجم مقیم هلند است و تا کنون مقالات و نقدهای بسیاری درباره فیلم و ادبیات معاصر ایران در مجله‌های ادبی و هنری هلند و بلژیک چاپ کرده، گزیده‌ای از اشعار چهل شاعر نوسرای ایرانی را به زبان هلندی ترجمه

کرده و قرار است انتشارات بولاک آن را به صورت کتابی ۲۵۰ صفحه‌ای در بهار سال ۲۰۰۶ در هلند منتشر کند. او این کتاب را که *کوچه‌های سکوت* نام دارد و مجموعه‌ای است از اشعار نیما، فریدون توللی، مهدی اخوان ثالث، نادر نادرپور، احمد شاملو، فروغ فرخزاد، منوچهر آتش، احمد رضا احمدی، رضا براهنی، محمدعلی سپانلو، شمس لنگرودی، فرشته ساری، نازنین نظام شهیدی، ژیللا مساعد، حافظ موسوی و ... با همکاری رونالد باس که استاد

دانشگاه، فیلمساز و منتقد ادبی هلندی و در حال حاضر مسئول ادبیات خارجی سازمان ادبی هلند است آماده چاپ کرده است.

نفیس نیا می‌گوید که معیار او در انتخاب اشعار در مرحله اول میزان اهمیت و تاثیرگذاری شعر آن شاعران در زمان خود بوده و در مرحله بعد قابل ترجمه بودن و قابل فهم بودن آنها در زبان هلندی. او سلیقه خود را هم در انتخاب این آثار بی‌تأثیر نمی‌داند و ادعایی هم در مورد کامل بودن کتاب ندارد.

اصفهان امیدگانه من اولین مجموعه شعر نفیس نیا در ژانویه ۲۰۰۵ به زبان هلندی و توسط انتشارات برن میر در هلند منتشر شد.

ندوشن در حافظیه از ترجمه ناپذیری شعر حافظ سخن گفت



دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن در بزرگداشت حافظ در حافظیه درباره ترجمه ناپذیری شعر حافظ چنین گفت: "از دیوان حافظ نمی‌توان یک کلمه برداشت و کلمه دیگری جایگزین کرد بدون این که تخریبی در ساختار شعر به وجود آورد. این هم از اعجاز حافظ است." به نظر وی بیش از یکصد ترجمه‌ای که از دیوان حافظ به زبانهای معتبر دنیا وجود دارد هیچ کدامشان "نمی‌تواند حق مطلب را

ادا کند و چیزی عاید خواننده نمی‌کند... آنچه حافظ گفته است، همه شاعران قبل و پس از او نیز گفته‌اند. اما تفاوت حافظ در شیوه گفتار و جوهره کلام اوست و به همین علت است که شعر حافظ ترجمه‌پذیر نیست." او در مورد علاقه شگرف گوته به حافظ گفت: "گوته با الهام گرفتن از ترجمه کتاب حافظ به قلم دانشمندی تریشی، خود را به اندیشه حافظ نزدیک ساخت... این موضوعی است که مایه تعجب فارسی‌زبانان است که چگونه فردی از طریق ترجمه تا این اندازه به حافظ دلبستگی پیدا کرده است. اگر گوته خود فارسی می‌دانست، نتیجه کار چه بود؟ به گفته او "جادویی در کلام حافظ است که اگر چند درصد آن به ترجمه بیاید، شاهد اتفاقات دیگری خواهیم بود." او از شیفتگی شاعری استرالیایی به حافظ سخن گفت. شاعری که دیوان حافظ را در مدت بیست سال از روی ترجمه‌های دیگر به انگلیسی ترجمه کرده است و این سخن را از او نقل کرد: "از زمانی که بشر پا به کره خاکی گذاشته، هیچ سخنوری بزرگتر از حافظ نبوده است که موهبت زندگی کردن در خاک را یافته باشد."

"... باید بررسی کرد که در این ترجمه‌ها چه بوده که تا این اندازه بر روی این شاعر تأثیر گذاشته است... کسانی چون گوته یا شاعر استرالیایی همان چند درصد از شعر حافظ را که می‌بینند، به آن صورت با آن روبرو می‌شوند و این نشانه این است که ببینیم حافظ چه کرده و چه عناصری در کلامش بوده است که نه تنها ترجمه‌اش تأثیرگذار، بلکه برای خود ایرانی یک ربایندگی و مغناطیس خارق‌العاده ایجاد می‌کند. و سخن پایانی او: "ما ایرانی‌ها اصولاً در مورد حافظ، هم اشتراک نظر و هم افتراق نظر داریم. اشتراک نظر به این دلیل که همه می‌توانیم و می‌خواهیم به شعر او تفأل بزنیم و اختلاف نظر داریم به این دلیل که شعر او را در قالبی می‌بریم که خودمان دوست داریم. به عبارت دیگر، به تعداد خوانندگان حافظ می‌شود اشعار او را تعبیر و تفسیر کرد."

قدردانی ادبیات ارمنی از مترجم ایرانی



احمد نوری‌زاده، تنها شاعر غیر ارمنی که به ارمنی شعر می‌گوید، چندی پیش به پاس سالها تلاشش برای معرفی و ارائه ادبیات ارمنی به مخاطبان ایرانی جایزه‌ای از کشور ارمنستان دریافت کرد. این جایزه که هر سال به دو نفر اهدا می‌شود - کسی که آثار ادبی ارمنی را به زبانی دیگر ترجمه می‌کند و کسی که آثار دیگر نقاط جهان را به ارمنی برمی‌گرداند- از طرف رهبر دینی ارمنه جهان و انجمن

نویسندگان ارمنستان به پاس ترجمه آثار ارمنی به زبان دیگر به او اعطا شد و وزیر سابق فرهنگ ارمنستان هم به خاطر ترجمه آثاری از آلمانی به ارمنی دیگر کسی بود که این جایزه را از آن خود کرد. این اتفاق اگر چه در ایران انعکاس خبری چندانی نداشت اما در ارمنستان اتفاقی بزرگ بود و در رسانه‌های این کشور بازتاب گسترده‌ای داشت و نویسندگان ارمنی هم برای تجلیل از او مراسم مختلفی برگزار کردند. نوری‌زاده چندین سخنرانی در ارمنستان ایراد کرد و وزیر علوم ارمنستان هم در گفتگویی تلویزیونی اعلام کرد که احمد نوری‌زاده دوست ملت ماست و تجلیل از او تجلیل از دوستی ملت‌هاست.

کتاب صد سال شعر ارمنی یکی از آثار اوست که ترجمه‌ای است از آثار شاعران ارمنی از سال ۱۸۷۵ تا ۱۹۷۵ و بررسی این آثار.

ترجمه فارسی به انگلیسی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی

ترجمه انگلیسی نخستین جلد از دایرةالمعارف بزرگ اسلامی شاید تا سال ۸۵ چاپ و منتشر شود. به گفته فرهنگ انصاری، مدیر روابط عمومی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ترجمه انگلیسی این اثر در بخش انگلیسی این مرکز که تازه تأسیس شده انجام می‌شود و در ترجمه مقالات این کتاب موسسه مطالعات اسماعیلی لندن همکاری علمی می‌کند و بنا بر نیازهای خاص و ذائقه و سلیقه مخاطب انگلیسی کوشش می‌شود تا ترجمه به انگلیسی با تغییر و تلخیص لازم همراه باشد.

پروین در آسمان ادبیات بلغار

وابسته فرهنگی کشورمان در صوفیه همت کرده و گزیده اشعار پروین اعتصامی را به دو زبان فارسی و بلغاری به چاپ رسانده. در ضمن همین وابسته فرهنگی، ترجمه کتاب تاریخ فلسفه اسلامی را هم برای بار دوم چاپ کرده است.

سه نمایشنامه انگلیسی با ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده

جشن نیکوکاری، وکیل تسخیری و آقاپسر به خانه می‌آید به ترتیب اثرآلن ایکنرن، جان مورتیمر و ای. ای. میلن نام سه نمایشنامه‌ای است که سیروس ابراهیم‌زاده ترجمه و نشر قطره منتشر کرده است. جشن نیکوکاری یکی از جدی‌ترین کمدی‌های انگلیسی است. در یادداشت سیروس ابراهیم‌زاده بر این اثر می‌خوانیم: "می‌توان گفت که کار ایکنرن در شناخت انسان و سرگردانی‌های او، گاهی به حریم بزرگانی چون شکسپیر و چخوف نزدیک می‌شود." نمایشنامه کمدی وکیل تسخیری در اصل برای رادیو نوشته شده و در سال ۱۹۶۲ به کارگردانی جیمز هیل به فیلم درآمد و شهرت و موفقیت جهانی برای نویسنده کسب کرد. سر جان مورتیمر تاکنون چندین فیلمنامه برای کارگردانان معروف جهان سینما نگاشته است، از جمله بانی لیک گم شده و عصرانه با موسوئینی. مترجم خواندن نمایشنامه وکیل تسخیری را برای درمان عصا قورت دادگی مزن، که گویی خود زمانی گرفتارش بوده، توصیه می‌کند. در نمایشنامه کمدی آقاپسر به خانه می‌آید چند روزی است که جنگ جهانی اول به پایان

رسیده و فیلیپ که جوانی تازه از جنگ برگشته است در برابر عمویش، جیمز، که به طور وسواس گونه ای خشک و مقرراتی و پایبند به عاداتی بیمارگون است عصیان می کند و از این طریق نویسنده به گونه ای ماهرانه و با نگاهی طنزآمیز به خلق فضای پس از جنگ و به سخره گرفتن آن می پردازد:



... هیچ به خاطر تون خطور نکرده که این روزها قریب صد هزار نفر تو بریتانیا مسیح هستند... همه شون هم حرفه ای... و متأسف ازین که که کسی پیدا نشه بهش تیراندازی کنن اسلحه شون زنگ می زنه.

... می دونی، آدم عادت می کنه رو دردم تیر خونی کنه، بعد یه دفعه یین حقو ز آدم می گیرن... خوب، ترک عادت کار آسونی نیست.

... ازین موعظه زیاد شنیده: «انسان عزیز است... زنداکی انسان مقدس است»، «جان شیرین خوش است... ولی تمام اینها با وین گونه ای که ز تفنگت خارج می شه و قلب انسانی رو سوراخ می کنه، از کتات می پرد بیرون... آره،

رنگ خون برای این تیره است که نشه این جمله های فشنکو از پشتش خوندا!

ترجمه دیبای خسروانی بیهقی به زبان انگلیسی

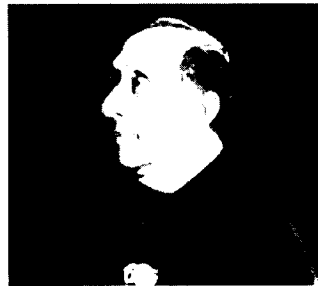
نخستین ترجمه کامل تاریخ بیهقی به قلم ادموند کیفورد باس ورث در آمریکا منتشر می شود. درباره کم و کیف این ترجمه امیدواریم در شماره آینده با مترجم آن گفتگو کنیم. از آنجا که این ترجمه از روی چاپ شادروان دکتر فیاض صورت گرفته که اخیراً به همت دکتر محمدجعفر یاحقی به چاپ رسیده، با دکتر یاحقی در مورد ویژگیهای این نسخه جدید گفتگویی کردیم. در پاسخ به این سؤال که چاپ جدید با چاپ زنده یاد دکتر فیاض چه تفاوتی دارد، دکتر یاحقی گفت: "چیزی که ما را به تجدید چاپ کتاب با استفاده از امکانات رایانه ای وداشت نوع حروف و چگونگی چاپ آن بود که بایستی با مقتضیات زمان هماهنگ می شد و با سه بار نمونه خوانی که صورت گرفته می توانیم ادعا بکنیم که چاپ جدید عیناً همان چاپ دکتر فیاض است با پاره ای امتیازهای دیگر و تصحیح بعضی خطاها. در این چاپ رسم الخط را اندکی تغییر داده ایم. به عنوان مثال «می» را از فعل و «به» را از اسم جدا کرده و در بعضی موارد هم نقطه گذاری کرده ایم و عبارات عربی هم اعراب گذاری شده است. از طرف

دیگر به خاطر استفاده از قلم مناسب برای متن کتاب و حواشی آن و با حذف سطرشمار که در چاپهای گذشته وجود داشت، طول سطرها افزایش یافته و در نتیجه حجم کتاب به صور قابل ملاحظه‌ای کاهش پیدا کرده است. بعضی خطاهایی هم که بیشتر در فهرست لغات و ترکیبات وجود داشت، تصحیح و صفحه‌های فهرستهای سه‌گانه پایان کتاب هم تطبیق شده است و همچنین دو فهرست اسامی اشخاص و امکان به صورت یک فهرست و تحت عنوان نمایه درآمده است."

ابوالفضل بیهقی در جایی از این کتاب می‌گوید: "استادم پارسی کرده بود ترجمه‌ای راست چون دیبا." امیدواریم ترجمه‌ای که از این اثر صورت گرفته هم چنین باشد.

یک دانمارک و یک هانس کریستیان آندرسن

بنا به گزارش کتابخانه ملی آمریکا هانس کریستیان آندرسن (۱۸۰۵-۱۸۷۵) با ترجمه آثارش به ۹۱ زبان دنیا از این نظر در میان نویسندگان دانمارکی یکه‌تاز است. بعد از او کارن بِنِکِسِن (۱۸۸۵-۱۹۶۲) قرار دارد که بیشتر با اسم مستعار ایساک دینسن شناخته شده است؛ آثار او تاکنون به ۲۸ زبان ترجمه شده. جایگاه سوم هم به فیلسوف معروف سورن کیرکگارد (۱۸۱۳-۱۸۵۵) تعلق دارد که آثار او را می‌توانید به ۱۴ زبان بخوانید.



سوروشون سیمین دانشور به زبان اسپانیایی

خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در مادرید خبر داده که به زودی ترجمه اسپانیایی رمان سوروشون اثر سیمین دانشور منتشر می‌شود. سوروشون که تا کنون به ۱۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده اولین باری است که به زبان اسپانیایی ترجمه می‌شود.

مترجم اسپانیایی این اثر خواکین رودریگز وارگاس، مترجم زبده آثار فارسی به زبان اسپانیایی است و انتشارات ال کوبره هم ناشر آن است.

خواکین رودریگز وارگاس تا کنون گلستان سعدی، سه قطره خون صادق هدایت، یک سال در میان ایرانیان ادوارد براون و سه نوشته مقدس زرتشتیان را ترجمه کرده و مقالاتی درباره حافظ و

بزرگان شعر و ادب فارسی منتشر کرده است و هم‌اکنون هم مشغول تألیف کتاب دستور زبان فارسی برای اسپانیایی زبانان است.

آنچه ترجمه‌ای را برجسته و ماندگار می‌سازد

انتشارات خوارزمی مهرماه امسال هفتمین جلد از مجموعه آثار برشت را روانه بازار کرد، گرچه تاریخ انتشار آن به سال ۸۰ باز می‌گردد. این کتاب در بردارنده سه نمایشنامه از نوشته‌های دوران جوانی برشت است. مترجم آن هم محمود حسینی زاد و ویراستارش فرامرز بهزاد است. کار ترجمه این مجموعه که حدوداً از سی سال پیش آغاز شده نمونه‌ای ست مثال‌زدنی از کاری گروهی، هماهنگ، "سیستماتیک و علمی". راز موفقیت این ترجمه‌ها را می‌توانیم در گفتگوی کوتاه محمود حسینی زاد با گزارشگر صدای آلمان در تهران بیابیم: "اواخر ۵۶، ۵۷ بود که انتشارات خوارزمی این کار را شروع کرد. به نظرم، و اگر بدون تعصب بگویم، شاید بهترین کار ترجمه‌ای باشد که تا به حال در ایران انجام شده. یعنی همان زمان واقعاً تمام امکانات در اختیار مترجمان بود. دکتر فرامرز بهزاد که الان در شهر بامبرگ آلمان اقامت دارد به عنوان ویراستار انتخاب شد و او من، که در دانشگاه همکاری داشتم و یکی دیگر از دوستان را، فرید مجتهدی که الان خارج از کشور است به عنوان مترجم انتخاب کرد. یک کتابخانه مفصل در اختیار ما بود و چیزهایی را که ترجمه می‌کردیم با ترجمه انگلیسی حتماً برابری می‌شد. چون به هر حال شاید یک گنگی‌هایی بود که ما متوجه نمی‌شدیم. خود آقای حیدری از انتشارات خوارزمی که به زبان انگلیسی وارد است کمک می‌کرد. یکی از کارگردانهای تئاتر آن زمان هم، آقای نجم‌آبادی، به ما کمک می‌کرد. البته آلمانی بلد نبود اما ترجمه‌ها را از نظر زبان تئاتری می‌خواند. تصمیمی هم که آن موقع گرفتیم، البته بهزاد تصمیم می‌گرفت و ما اجرا می‌کردیم، این بود که در ترجمه آثار وفادار باشیم. شاید بشود گفت ترجمه‌ای خشک یا کلمه به کلمه می‌کردیم و باقی کار به خود کارگردان واگذار می‌شد که اینرا بر روی صحنه تغییر بدهد. بسیار دقیق ترجمه می‌کردیم. مثلاً در این مورد که شعرها را با وزن ترجمه بکنیم یا نه مدتها جلسه گذاشتیم تا اینکه آخر تصمیم گرفتیم تا آخر سطر به سطر ترجمه کنیم و بعد بگذاریم به اختیار کارگردان."

مترجم، شماره ۵۱، پاییز ۸۴، ۱۳۲

از محمود حسینی‌زاد، که داستان کوتاه نیز می‌نویسد و کتاب سیاهی چسبناک شب او اخیراً توسط انتشارات کاروان نشر یافته، در کنار ترجمه آثاری از دیگر نویسندگان آلمانی زبان، مجموعه تک‌پرده‌ایهای برشت، سال ۱۳۵۸ توسط انتشارات خوارزمی، منتشر شده است.